

ادامه مطلب

انتخاب آزاد در جمهوری اسلامی

از صفحه ۲۵

نهایت، قانون ورق پاره ای بیش نیست، و این سردمداران و مجریان یک قانون هستند که متولی امامزاده اند و عملاً می توانند به هر شکلی قانون را اجرا کنند و یا آن را به کلی به کناری بگذارند. از این نظر، جمهوری اسلامی خود نمونه بسیار خوبی است، و موارد نقض قانون اساسی با تفسیر به رای مقامات از اصول این قانون چنان گسترده است که نیازی به تفصیل ندارد.

از این رو اشاره من به ساختار حقوقی جمهوری اسلامی نه به آن معنا بوده است که آن را مانع اصلی تحقق آرمان های دموکراتیک ایرانیان بدانم. بلکه منظور من این بود که حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که حاکمان در جمهوری اسلامی به قانون اساسی خود تن بدهند و مواد آن را مو به مو اجرا کنند، خود قانون اساسی در برابر تحول دموکراتیک جامعه ایستاده است، و در نهایت جز با شکستن این قانون و گذر از آن (یعنی نفی قانون اساسی) حاکمیت مردم در ایران عملی نیست. البته آقای جعفری معتقدند که «اگر به دیده انصاف نگریسته شود؛ اصول بسیاری از قانون اساسی کشور، بر حق مسلم یکایک ایرانیان در خصوص تصمیم گیری ها و مشارکت در حق عین سرنوشت تاکید جدی دارد». آقای جعفری البته به این اصول اشاره ای نمی کنند و نمی گویند که در کجای این «تأکیدهای جدی» صورت گرفته است و چگونه «یکایک ایرانیان» از این حقوق می توانند استفاده کنند. ولی برای اطلاع ایشان باید گفت که در اصول ۵ و ۱۰۷ تا ۱۱۰ این قانون برای «معدودی از ایرانیان» حق احراز مقامی تعیین شده است که می تواند یک تنه از «تعیین سیاست های کلی نظام» گرفته تا «اعلان جنگ» سرنوشت مرگ و زندگی همه ایرانیان دیگر را رقم بزند- حتی که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان به دلایل جنسیتی (زنان)، عقیدتی (نامسلمانان و نا شیعیان) یا صنفی و اجتماعی (شیعیان ناروحانی و روحانیان غیر فقیه) همواره از آن محروم شناخته شده اند. از ده ها اصل دیگر این قانون که ساختار قرون وسطایی الیگارشویی هر می جمهوری اسلامی را ایجاد کرده است می گذریم. آیا این است معنای «مشارکت در حق تعیین سرنوشت» برای «یکایک ایرانیان»؟

البته گفته شده است که قانون را می توان تغییر داد و قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز از این اصل مستثنا نیست. در واقع، قانون اساسی نظام حاکم راه را برای تغییر آن باز گذاشته، و یک بار نیز در سال ۱۳۶۸ این قانون دستخوش تغییر گشته است. تغییر قانون اساسی همچنین یکی از دلایلی است که اصلاح طلبان برای اثبات توانایی دموکراتیزه شدن رژیم جمهوری اسلامی به کار برده اند (گرچه رهبر نمادین آنان آقای خاتمی یک بار از خواست تغییر قانون اساسی به عنوان خیانت یاد کرد). ولی هر ادعایی در مورد این که نظام جمهوری اسلامی را می توان از طریق تغییر قانون اساسی آن دموکراتیزه کرد بی پایه است.

دلیل این امر را باید در خود قانون اساسی دید. در اصل ۱۷۷ این قانون که آخرین اصل آن بشمار می رود، روند تغییر قانون اساسی مشخص شده است. یک مطالعه ساده این اصل نشان می دهد که چگونه این نظام راه تحول به یک نظام دموکراتیک از طریق ساز و کارهای درونی خود را بسته است. علاوه بر این که ارگان های تصمیم گیرنده پیشنهادها را مربوط به تغییر قانون اساسی عمدتاً انتصابی هستند و دموکراتیزه کردن نظام نفی و محو غالب آنها را ایجاب می کند (و بنا بر این نمی توان انتظار داشت که خود علیه خود رای دهند)، اصل یاد شده تصریح کرده است که بسیاری از نهادهای ضد دموکراتیک این نظام، از جمله «ولایت امر و امامت امت» هیچگاه قابل تغییر نیست. قانون اساسی جمهوری اسلامی به بهترین وجه اصلاح ناپذیری دموکراتیک آن را تضمین کرده و بیش از هر عامل دیگری یک انقلاب سیاسی در ایران را اجتناب ناپذیر کرده است.

مدافعان جمهوری اسلامی و به خصوص جناح اصلاح طلب آن (که آقای جعفری آنان را «دموکرات نما» می خواند) اصرار زیاد دارند تا نشان دهند که اشکال جمهوری اسلامی فقط در ساختار حقیقی آن است (فساد و استبداد و خشونت) و نه در ساختار حقوقی آن (الیگارشویی مذهبی). این سخن از سوی آنان قابل فهم است. برای کسانی که تعریف آنها از مردم در خودی ها خلاصه می شود البته که «انتخابات آزاد» نیز در همین نظام عملی است.

ولی برای یک لیبرال دموکرات مانند آقای جعفری که انتخابات را بیش از رای گیری می داند و مرزهای خودی و ناخودی را به رسمیت نمی شناسد این سخن چگونه می تواند توجیه پذیر باشد؟ پاسخ ایشان روشن است: نه فقط می توان انتظار داشت که ساخت حقیقی قدرت از تعدیات و انحصار طلبی ها و تجاوز به حقوق مردم دست بکشد و

در غیر اینصورت تصور ناپذیر است که حاکمیتی استبدادی صرفاً بر اساس خردورزی یا توصیه مشفقان و ناصحان به چنین کاری تن دهد. مستبدان و انحصار طلبان دقیقاً به این دلیل به استبداد و انحصار طلبی می پردازند که برای حل و فصل مسائل و بحران ها خود را بهترین می دانند. تنها فشاری تحمل ناپذیر می تواند آنان را به پذیرش واقعیت های تلخ و از جمله، دیگری و دیگران وادارد. انتخابات آزاد در ایران تنها با نقض و زیر پا گذاشتن قانون اساسی جمهوری اسلامی (یعنی نفی حقوقی این نظام) عملی است. آقای جعفری معتقد و امیدوار است که حاکمان موجود به چنین کاری تن دهند.

این کار البته در حالت کلی ناممکن نیست. ولی آن فشار تحمل ناپذیری که ممکن است حاکمان را به چنین «خودکشی سیاسی» وابدارد کدام است؟ (آقای جعفری، از تعبیر خودکشی سیاسی تعجب نکنید- در مقاله پیشین توضیح دادم که انتخابات آزاد در یک نظام استبدادی به نفع محکومان و زیان حاکمان است.) برگزاری انتخابات آزاد به صورت کنترل شده که حاکمیت بتواند آن را هدایت کند (تزی که آقای جعفری در مقاله جدیدشان نیز مطرح کرده اند) از یک استراتژی دراز مدت حکایت می کند.

این استراتژی باید وجود داشته باشد، حاکمیت

بلکه پا را از این هم فراتر بگذارد. نقض قانون اساسی را همانطور که آقای جعفری می گوید حکومت بارها کرده است. منتها در این جا آقای جعفری می پندارد که اولاً برگزاری «انتخابات نسبتاً آزاد» در حدی که مرزهای خودی و ناخودی سنتی را هم بشکند «درجهت مصالح» حاکمیت است و ثانیاً خود حاکمیت نیز این مصالح را به صورتی که آقای جعفری می گوید تشخیص خواهد داد.

من در مقاله ای که مورد نقد آقای جعفری قرار گرفته است این امر را «ممکن» دانسته ام که حاکمان در شرایطی به خواست هایی تن بدهند که قدرت و موقعیت خود آنان را محدود یا نفی کند. برای این کار مثال امضای فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه را آوردم. مظفرالدین شاه با امضای این فرمان، قدرت مطلق خود را نفی کرد و به نظام سلطنت مطلقه مهر ختم زد. ولی اضافه کردم که این کار اولاً انقلابی بود (نظام سلطنت مطلقه نفی می شد نه این که اصلاح شود- اصلاح سلطنت کاری است که اکنون در عربستان سعودی جریان دارد) و ثانیاً وقتی حاکمان به چنین کاری تن می دهند که پشت به دیوار در برابر فشاری تحمل ناپذیر قرار بگیرند.

در خود توانایی کنترل تحولات را پس از «انتخابات آزاد» اولیه ببیند، و از همه مهمتر این که حاکمیت نقطه نهایی آن را که برچیدن نظام حقوقی جمهوری اسلامی است مد نظر داشته باشد. این استراتژی را حکومت آفریقایی جنوبی پیش از ماندلا داشت. آیا آقای جعفری واقعا این دوربینی ها را در حاکمان فعلی جمهوری اسلامی می بیند؟ به جز این، همان طور که در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و آمریکای جنوبی پیش آمد، حاکمیت تنها در برابر شرایط به صورت واکنشی عمل خواهد کرد، و سیر حوادث تعیین کننده روند تحولات خواهد بود. در این مدل، انتخابات آزاد به صورت کنترل شده معنا و موردی پیدا نمی کند، و علایم و نشانه هایی که آقای جعفری به آنها اشاره می کند بیشتر حکایت از افزایش سرکوب دارد تا عابد و زاهد شدن حکومت امام زمانی ولی فقیه. جمهوری اسلامی تاریخ مصرف خود را به سرعت از دست می دهد و ممکن است در تحولات سریع پیش بینی ناشده ای حیاتش در هم پیچیده شود. ولی از برنامه ریزی و آمادگی سران جمهوری اسلامی برای کفن و دفن محرمانه آن (انتقال مسالمت آمیز) خبری نیست....

۱- <http://politic.iran-emrooz.net/index.php?politic/more/13883/>

۲- <http://news.gooya.com/politics/archives/2007/08/062244.php>

Persian Cultural Foundation & Nakissa Art Company
Present

Shahrokh Moshkin Ghalam

Dance Variations on Persian Themes

دست افشان غزلخوانیم و پاکوبان سرلایک



Tickets are available in selected Iranian:

Rose Market	Mountain View	(650) 960-1900
Bazaar Iran	San Jose	(408) 241-3700
Bazaar Norouz	San Jose	(408) 295-2323
Adel Market	San Carlos	(650) 654-3340
Family Market	San Mateo	(650) 574-0102
Jahan Market	San Francisco	(415) 563-4726
Bazaar Tajreesh	Walnut Creek	(925) 932-8404
Hatam Market	San Rafael	(415) 454-8888
Zand Market	Albany	(510) 528-7027
Hourian Gallery	San Francisco	(415) 346-6400
Gallery Cafe	San Francisco	(415) 346-6161
Setareh Market	San Jose	(408) 979-0634
Caron Market	Sunnyvale	(408) 735-7171
Banoo Market	Pleasanton	(925) 734-9101
BiBi Bazar	Danville	(925) 831-2424
Jahan Market	San Francisco	(415) 563-4726

with **Karine Gonzalez & Sahar Dehghan-Hojat**

Sunday, September 9, at 7:00 pm

Smithwick Theater, Foothill College

12345 El Monte Road,

Los Altos Hills CA 94022

Box office opens at 5:30 pm

Tickets are available in selected Iranian stores.

For information, please call 650 571-9344.

یکشنبه ۹ سپتامبر ۲۰۰۷ ساعت ۷ شب